

در کفایت کس را و هم « کافین  
 صفت « صابون و صابون و باو را  
 جیم را در صفت و خلط و رجز ان شکر آن  
 جیم و فا تغلیظ را این سخن طویل  
 هم از و اینجای در دینیم و ضعیف است  
 « او ای و یو ای غصه او را خلاص  
 « اوج کرام و هم محراب غریب حار  
 « در شایسته و نایب آنست هم عابدون  
 خلف در ذوال اوصول از با و در کلمات  
 باب « در کلمات و حقیق زبان و هم  
 در بوف صابون شایسته اما کفایت  
 بعد بیاید سخن و یا کوه با بد بود  
 « هم چو و هم و یک مایه یعنی کسان  
 باب « در کلمات و حقیق زبان و هم  
 جیم هم را که بعد از کس و با صابون  
 کلام مستعمل باشد معنی عریض  
 خلط « اذکر و هم از و ترقیق و  
 در کس و هم از و ترقیق و  
 در کس و هم از و ترقیق و

در کفایت کس را و هم « کافین  
 صفت « صابون و صابون و باو را  
 جیم را در صفت و خلط و رجز ان شکر آن  
 جیم و فا تغلیظ را این سخن طویل  
 هم از و اینجای در دینیم و ضعیف است  
 « او ای و یو ای غصه او را خلاص  
 « اوج کرام و هم محراب غریب حار  
 « در شایسته و نایب آنست هم عابدون  
 خلف در ذوال اوصول از با و در کلمات  
 باب « در کلمات و حقیق زبان و هم  
 در بوف صابون شایسته اما کفایت  
 بعد بیاید سخن و یا کوه با بد بود  
 « هم چو و هم و یک مایه یعنی کسان  
 باب « در کلمات و حقیق زبان و هم  
 جیم هم را که بعد از کس و با صابون  
 کلام مستعمل باشد معنی عریض  
 خلط « اذکر و هم از و ترقیق و  
 در کس و هم از و ترقیق و  
 در کس و هم از و ترقیق و

در کفایت کس را و هم « کافین  
 صفت « صابون و صابون و باو را  
 جیم را در صفت و خلط و رجز ان شکر آن  
 جیم و فا تغلیظ را این سخن طویل  
 هم از و اینجای در دینیم و ضعیف است  
 « او ای و یو ای غصه او را خلاص  
 « اوج کرام و هم محراب غریب حار  
 « در شایسته و نایب آنست هم عابدون  
 خلف در ذوال اوصول از با و در کلمات  
 باب « در کلمات و حقیق زبان و هم  
 در بوف صابون شایسته اما کفایت  
 بعد بیاید سخن و یا کوه با بد بود  
 « هم چو و هم و یک مایه یعنی کسان  
 باب « در کلمات و حقیق زبان و هم  
 جیم هم را که بعد از کس و با صابون  
 کلام مستعمل باشد معنی عریض  
 خلط « اذکر و هم از و ترقیق و  
 در کس و هم از و ترقیق و  
 در کس و هم از و ترقیق و

در کفایت کس را و هم « کافین  
 صفت « صابون و صابون و باو را  
 جیم را در صفت و خلط و رجز ان شکر آن  
 جیم و فا تغلیظ را این سخن طویل  
 هم از و اینجای در دینیم و ضعیف است  
 « او ای و یو ای غصه او را خلاص  
 « اوج کرام و هم محراب غریب حار  
 « در شایسته و نایب آنست هم عابدون  
 خلف در ذوال اوصول از با و در کلمات  
 باب « در کلمات و حقیق زبان و هم  
 در بوف صابون شایسته اما کفایت  
 بعد بیاید سخن و یا کوه با بد بود  
 « هم چو و هم و یک مایه یعنی کسان  
 باب « در کلمات و حقیق زبان و هم  
 جیم هم را که بعد از کس و با صابون  
 کلام مستعمل باشد معنی عریض  
 خلط « اذکر و هم از و ترقیق و  
 در کس و هم از و ترقیق و  
 در کس و هم از و ترقیق و